مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۲ . بهار ۱۴۰۵

Urban managment
No.82 Spring 2026

۱۴۵-۱۵۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

تأثیر فرهنگ بوم گرایی بر کالبد فیزیکی و ساختار عناصر معماری بومی گیلان

مونا کیارش پور: دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
امیرمسعود دباغ*: استادیار گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی سوره، تهران، ایران.
مهرداد جاویدی نژاد: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

معماری بومی هر منطقه بازتاب تعامل میان فرهنگ، اقلیم و سبک زندگی مردم آن ناحیه است. در استان گیلان، شرایط اقلیمی مرطوب و بارانی همراه با پوشش گیاهی غنی، ساختار کالبدی و عناصر معماری سنتی مانند سقف‌های شیب‌دار، ایوان‌ها و کرسی‌های چوبی را شکل داده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی بر کالبد فیزیکی و ساختار عناصر معماری بومی گیلان انجام شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مطالعه میدانی و تحلیل منابع علمی و کتابخانه‌ای گردآوری شد. نتایج نشان می‌دهد که الگوهای بوم‌گرایانه در انتخاب مصالح، جهت‌گیری بنا، نوع پوشش سقف و ترکیب‌بندی فضاها نمود یافته و معماری را با محیط‌زیست هماهنگ کرده است. این مطالعه می‌تواند به طراحی پایدار و احیای معماری بومی در شرایط معاصر کمک کند. نتایج نشان می‌دهد که معماری گیلان به‌طور طبیعی با محیط‌زیست سازگار است و ویژگی‌های بارزی مانند سقف‌های شیب‌دار و پوشش‌های چوبی، ایوان‌های باز، کرسی‌های چوبی و استفاده از مصالح محلی بیانگر فرهنگ بوم‌گرایی هستند. علاوه بر آن نظم فضایی داخلی و پیوند میان فضاهای عمومی و خصوصی، بازتابی از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مردم منطقه است. همچنین همسویی معماری با اقلیم و فرهنگ محلی باعث کاهش مصرف انرژی و افزایش پایداری محیطی شده است. این مطالعه تأکید می‌کند که فرهنگ بوم‌گرایی نه‌تنها بر جنبه‌های کالبدی بلکه بر ساختار معنایی و اجتماعی معماری بومی گیلان تأثیرگذار است. نتایج پژوهش می‌تواند به عنوان الگوی راهنما برای طراحی معماری معاصر با رویکرد بومی و پایدار در مناطق مشابه مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: فرهنگ بوم‌گرایی، معماری بومی گیلان، عناصر کالبدی، پایداری، سازگاری با اقلیم.

* نویسنده مسؤول Dabagh@soore.ac.ir

The Impact of Ecocultural Principles on the Physical Form and Structural Elements of Gilan's Vernacular Architecture.

Abstract

The indigenous architecture of each region is a reflection of the culture, climate, and lifestyle of the people of that region. In Gilan Province, climatic conditions and rainwater, along with rich vegetation, have shaped the physical structure and traditional architectural elements such as sloping roofs, verandas, and wooden benches. The present study aimed to investigate the impact of eco - culture on the physical structure and structure of native architectural elements in Guilan. The research method was descriptive - analytical and the data were collected through field study and analysis of scientific and library resources. The results show that ecological patterns are reflected in the choice of materials, building orientation, type of roof covering, and composition of spaces, harmonizing architecture with the environment. This study can contribute to sustainable design and the revival of vernacular architecture in contemporary conditions. The results show that Gilan architecture is naturally environmentally friendly, and distinctive features such as sloping roofs and wooden coverings, open verandas, wooden seats, and the use of local materials reflect an eco - friendly culture. In addition, the internal spatial order and the connection between public and private spaces reflect the cultural and social values of the people of the region. Also, the alignment of architecture with the local climate and culture has reduced energy consumption and increased environmental sustainability. This study emphasizes that the culture of ecotourism influences not only the physical aspects but also the semantic and social structure of the vernacular architecture of Guilan. The research results can be used as a guiding model for designing contemporary architecture with a local and sustainable approach in similar regions.

Keywords: Eco - culture, native architecture of Gilan, physical elements, sustainability, climate adaptation.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

مقدمه

معماری فراتر از یک سرپناه فیزیکی، تجلی‌گاه هویت، باورها و تعاملِ خردمندانه انسان با بستر جغرافیایی و فرهنگی خویش است. در این میان فرهنگ بوم‌گرایی به عنوان نگرشی که بر بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی، مصالح محلی و همسویی با ویژگی‌های اقلیمی تأکید دارد، همواره یکی از ارکان اصلی پایداری در معماری سنتی بوده است. معماری بومی هر منطقه به عنوان محصولی از تعامل میان فرهنگ، طبیعت و سبک زندگی مردم اهمیت ویژه‌ای در مطالعات معماری و شهرسازی دارد. در گیلان با توجه به اقلیم مرطوب و بارانی و وجود منابع طبیعی فراوان، معماری سنتی به‌گونه‌ای توسعه‌یافته است که سازگار با محیط باشد. فرهنگ بوم‌گرایی که بر استفاده از منابع محلی، مصالح طبیعی و احترام به محیط‌زیست تأکید دارد، نقش بسزایی در شکل‌گیری کالبد فیزیکی و ساختار معماری بومی گیلان داشته است. شناخت و تحلیل این تأثیرات می‌تواند راهنمای طراحی پایدار در معماری معاصر باشد معماری بوم‌گرا نه‌تنها یک رویکرد تکنولوژیک بلکه یک نظام فکری است که در آن مکان و فرهنگ به‌مثابه دو بازوی متقابل، کالبد فیزیکی بنا را شکل می‌دهند. منطقه گیلان با بهره‌مندی از ویژگی‌های اقلیمی منحصربه‌فرد شامل رطوبت بالا، بارندگی‌های مداوم و پوشش گیاهی انبوه بستری را فراهم آورده است که در آن فرهنگ بوم‌گرایی به شکلی عمیق در تاروپود عناصر معماری تنیده شده است. معماری گیلان در گذر زمان توانسته است با درکِ صحیح از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی، ساختارهایی را ابداع کند که فراتر از کارکرد صرف، به نمادی از همزیستی مسالمت‌آمیز میان انسان و طبیعت بدل گشته‌اند. در این معماری عناصر کالبدی همچون ایوان‌های وسیع، سقف‌های شیب‌دار، کُرسی‌چینی‌ها و ساختار سبکِ چوبی همگی پاسخ‌هایی کالبدی به فشارهای اقلیمی و نیازهای فرهنگی ساکنان این دیار هستند. با این وجود در عصر حاضر و با ظهور معماری‌هایِ وارداتی و ناپایدار، پیوند میان کالبد و این فرهنگِ غنیِ بومی رو به گسست نهاده است. مقاله حاضر با هدَف تبیین نقش فرهنگ بوم‌گرایی در شکل‌دهی به کالبد فیزیکی و ساختار عناصر معماری بومی گیلان، می‌کوشد نشان دهد که چگونه مؤلفه‌های فرهنگی، اقلیمی و زیست‌محیطی در تعامل با یکدیگر، الگویی منسجم و هویت‌مند از معماری را پدید آورده‌اند. در این راستا، تأثیر این فرهنگ بر فرم بنا، سازمان فضایی، مصالح، سازه و عناصر معماری مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابعاد مختلف این ارتباط روشن شود.

پیشینه تحقیق

مطالعات گذشته نشان می‌دهند که معماری بومی مناطق شمالی ایران، به ویژه گیلان، متکی بر مصالح محلی مانند چوب و نی، سقف‌های شیب‌دار و طراحی فضاهای باز برای تهویه طبیعی بوده است. پژوهش‌های اخیر بر اهمیت حفظ این الگوها در طراحی پایدار تأکید دارند اما تحلیل دقیق تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی بر اجزای معماری هنوز به‌طور جامع انجام نشده است.

- ❖ بررسی مطالعات داخلی و خارجی درباره بوم‌گرایی و معماری بومی.
- ❖ مطالعات مرتبط با گیلان و سایر مناطق شمال ایران.
- ❖ تبیین شکاف پژوهشی که این تحقیق پر می‌کند.

الگوهای معماری بومی گیلان تحت تأثیر شرایط اقلیمی و نیازهای فرهنگی جامعه شکل گرفته و عناصر کالبدی مانند ایوان، سقف شیب‌دار و کرسی‌چینی از فرهنگ بوم‌گرایی نشأت می‌گیرد (الگوهای برونگرای معماری ایرانی، تمدن، ۱۳۹۸). پایداری فرهنگی در معماری بومی گیلان نشان‌دهنده همسویی فرهنگ محلی با محیط است که عناصر طراحی در آن براساس دانش بومی شکل گرفته است. عناصر معماری برونگرا و اقلیمی گیلانی می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای معماری معاصر با رویکرد فرهنگی و بوم‌گرایی مورد استفاده قرار گیرد. (سهم معماری مدرن از الگوهای اصیل معماری برونگرای گیلان، میرزاده و همکاران، ۱۴۰۲) بهره‌گیری از اصول معماری بومی گیلان در طراحی مجموعه‌های تجاری نشان‌دهنده ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی بوم‌گرایی است (مجموعه‌های تجاری با رویکرد معماری بومی در گیلان، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، سلیمانی و جوانمردی، ۱۴۰۳) معماری گیلان به‌عنوان محصول تعامل بین فرهنگ، طبیعت و سبک زندگی مردمان منطقه شناخته می‌شود و نشان‌دهنده سازگاری با اقلیم و بوم است (معماری گیلانی، پیوندگاه فرهنگ، طبیعت و معماری شاهوردی، حسن، ۱۳۹۹). خانه‌های گیلان نمونه‌ای از معماری بومی‌اند که طراحانه با محیط و فرهنگ محلی هماهنگ شده‌اند. (Tomé & Regateiro, Universidade de Lisboa,2021)

الگوهای مسکن روستایی در گیلان از مصالح بومی و فرم‌های طراحی هم‌ساز با اقلیم و فرهنگ مردم منطقه بهره می‌برد. (Encyclopaedia Iranica, 2026)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۲ . بهار ۱۴۰۵
Urban managment
No.82 Spring 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق بازدید میدانی از نمونه‌های معماری بومی گیلان، بررسی اسناد تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش تحلیل محتوا و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و در پی تبیین این فرضیه است که فرهنگ بوم‌گرایی در معماری گیلان، تنها یک انتخاب زیباشناختی نبوده بلکه راهکاری ساختاری برای مدیریت انرژی، تأمین آسایش زیستی و حفظ هویت کالبدی در یکی از دشوارترین اقلیم‌های ایران است. در این راستا ضمن واکاویِ عناصر معماری بومی سعی می‌شود تأثیرات عمیق این فرهنگ بر ساختار فیزیکی بناها و چگونگیِ بازخوانیِ آن در معماری معاصر بررسی گردد.

مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر پیوند میان سه مفهوم اصلی فرهنگ، بوم‌گرایی و معماری بومی استوار است. فرهنگ به‌مثابه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، شیوه‌های زیست و الگوهای رفتاری، همواره نقشی اساسی در تولید و سازمان‌دهی فضای معماری ایفا کرده است. فضاهای معماری نه‌تنها پاسخ‌گوی نیازهای عملکردی انسان هستند بلکه ساختاری مادی برای بازنمایی فرهنگ و هویت جمعی به شمار می‌آیند. از این منظر معماری بومی را می‌توان محصول انباشت تجربه تاریخی انسان در مواجهه با محیط طبیعی و اجتماعی دانست.

بوم‌گرایی نیز به عنوان یک نگرش فکری و عملی بر هماهنگی با محیط طبیعی، استفاده از منابع بومی، توجه به ظرفیت‌های اقلیمی و پرهیز از مداخله ناسازگار در طبیعت تأکید دارد. در حوزه معماری این رویکرد در قالب انطباق فرم و فضا با شرایط بستر، بهره‌گیری از مصالح محلی، توجه به چرخه‌های طبیعی و خلق سکونتگاه‌هایی متناسب با ویژگی‌های زیست‌محیطی تجلی می‌یابد؛ بنابراین معماری بومی را می‌توان یکی از عینی‌ترین نمودهای فرهنگ بوم‌گرایانه دانست زیرا در آن انسان بدون گسست از محیط به سازمان‌دهی کالبدی فضا می‌پردازد.

معماری بومی گیلان نمونه‌ای شاخص از این هم‌پیوندی میان فرهنگ و بوم است. شرایط اقلیمی خاص این منطقه شامل رطوبت بالا، بارندگی فراوان، پوشش گیاهی متراکم و زمین‌های کشاورزی گسترده سبب شده است که الگوهای معماری آن بر پایه سازگاری حداکثری با محیط شکل گیرند. استفاده از بام‌های شیب‌دار برای هدایت آب باران، کرسی‌چینی و بلند کردن بنا از سطح زمین برای مقابله با رطوبت، بهره‌گیری از چوب، سفال و سایر مصالح محلی و طراحی ایوان‌های باز برای تهویه مناسب همگی نشان‌دهنده تأثیر مستقیم مؤلفه‌های بومی و فرهنگی بر کالبد معماری هستند.

ابزار تحلیل مقایسه فرم، مصالح و ساختارهای معماری سنتی با اصول بوم‌گرایی و پایداری می‌باشد.

۱. **سازه و مصالح:** استفاده از چوب، نی و خاک رس، همساز با اقلیم مرطوب و مقاوم در برابر بارش

۲. **سقف‌ها و ایوان‌ها:** سقف‌های شیب‌دار و ایوان‌های باز، برای دفع آب باران و تهویه طبیعی

۳. **فضاهای داخلی و اجتماعی:** تقسیم‌بندی فضایی انعطاف‌پذیر، پیوند میان فضاهای خصوصی و عمومی

۴. **پایداری و صرفه‌جویی انرژی:** استفاده از نور و تهویه طبیعی و کاهش مصرف سوخت و انرژی

۵. **بازتاب فرهنگ بومی:** عناصر طراحی نشان‌دهنده ارزش‌ها، سنت‌ها و سبک زندگی مردم گیلان

این بخش شامل بررسی عناصر معماری بومی و تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی است. می‌توان بخش‌ها را به این شکل دسته‌بندی کرد:

۱. کالبد فیزیکی بنا

- استفاده از مصالح طبیعی (چوب، خشت، نی)
- سقف‌های شیب‌دار برای هدایت باران
- رنگ و بافت متناسب با محیط طبیعی

۲. ساختار فضاها

- حیاط مرکزی و ارتباط با طبیعت
- تقسیم‌بندی فضاها با توجه به عملکرد و اقلیم
- تراس‌ها و بالکن‌ها برای بهره‌گیری از نور و تهویه

۳. عناصر جزئی معماری

- در و پنجره‌های چوبی با نقش‌های سنتی
- پوشش‌های سقف با نی یا سفال
- استفاده از ستون‌های چوبی مقاوم در برابر رطوبت

۴. تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی

- هماهنگی با اقلیم و شرایط محیطی
- بهینه‌سازی مصرف منابع
- تقویت هویت محلی و فرهنگی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۱: مشخصات کالبدی خانه‌های بومی گیلان

شماره نمونه	محل نمونه	مصالح اصلی	نوع سقف	وجود ایوان	وجود کرسی	سازگاری با اقلیم
۱	رشت	چوب، نی	شیب‌دار	دارد	دارد	۵
۲	لاهیجان	چوب، خاک	شیب‌دار	دارد	دارد	۴
۳	ماسال	چوب، نی	شیب‌دار	ندارد	دارد	۴

این جدول نشان می‌دهد کدام عناصر معماری در نمونه‌های مختلف وجود دارد و سازگاری هر نمونه با اقلیم چگونه ارزیابی شده است.

از منظر نظری کالبد فیزیکی معماری را نمی‌توان صرفاً نتیجه عوامل اقلیمی دانست بلکه این کالبد در تعامل با نظام فرهنگی، روابط اجتماعی، الگوهای معیشتی و نوع نگرش انسان به طبیعت شکل می‌گیرد. در گیلان نوع معیشت مبتنی بر کشاورزی، زندگی جمعی، رابطه نزدیک با زمین و طبیعت و ارزش‌های فرهنگی مرتبط با تعامل، مهمان‌پذیری و زیست خانوادگی در سازمان فضایی خانه‌ها و عناصر معماری آن اثرگذار بوده است. بدین ترتیب ساختار عناصری چون ایوان، حیاط، فضاهای نیمه‌باز، محل نگهداری محصولات کشاورزی و نحوه استقرار ساختمان در زمین، تنها پاسخ‌هایی فنی به اقلیم نیستند بلکه ریشه در فرهنگ بومی منطقه دارند. در این چارچوب می‌توان گفت که فرهنگ بوم‌گرایی در معماری بومی گیلان از دو مسیر اصلی بر کالبد اثر می‌گذارد: نخست از طریق سازگاری زیست‌محیطی که در فرم، مصالح و فنون ساخت نمود می‌یابد. دوم از طریق الگوهای فرهنگی و اجتماعی که سازمان فضایی، سلسله‌مراتب فضاها و نحوه استفاده از عناصر معماری را شکل می‌دهد؛ بنابراین مطالعه معماری بومی گیلان نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است که بتواند تعامل متقابل محیط، فرهنگ و کالبد را تبیین کند. درنهایت مبانی نظری این مقاله بر این فرض استوار است که معماری بومی گیلان نه فقط یک پاسخ اقلیمی بلکه نوعی نظام فضایی - فرهنگی است که تحت تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی شکل گرفته و هویت کالبدی ویژه‌ای یافته است. از این‌رو تحلیل عناصر فیزیکی و ساختاری این معماری بدون توجه به زمینه فرهنگی و بوم‌شناختی آن، تحلیلی ناقص خواهد بود. این دیدگاه می‌تواند چارچوبی مناسب برای فهم عمیق‌تر معماری بومی و ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری از اصول آن در معماری معاصر فراهم آورد.

۱. چارچوب مفهومی: فرهنگ و تولید فضا

در نظریه‌های معاصر معماری و انسان‌شناسی فضا، معماری به‌عنوان «متن فرهنگی» تلقی می‌شود که از طریق آن، ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای اجتماعی بازنمایی می‌شوند. فرهنگ مجموعه‌ای از الگوهای معنا، باورها، شیوه‌های زیست و نظام‌های نمادین است که رفتار فضایی انسان را سامان می‌دهد. از این منظر، فضا نه پدیده‌ای خنثی، بلکه برساخته‌ای اجتماعی ـ فرهنگی است.

در رویکرد تولید اجتماعی فضا، کالبد معماری نتیجه کنش متقابل میان موارد زیر است:

- ساختارهای اجتماعی
- الگوهای معیشتی
- نظام‌های ارزشی
- و شرایط محیطی

بنابراین هر عنصر کالبدی در معماری بومی حامل معنایی فرهنگی است و در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد

جدول ۲: تطبیقی عناصر معماری و ارزش‌های فرهنگی

عنصر معماری	کاربرد عملکردی	پیوند با فرهنگ بومی	نقش در پایداری محیطی
سقف شیب‌دار	دفع آب باران	هماهنگی با سبک زندگی مرطوب	کاهش آسیب بارش و رطوبت
ایوان باز	تهویه و فضای اجتماع	تعامل اجتماعی، مهمان‌نوازی	کاهش مصرف انرژی و نورگیری طبیعی
کرسی چوبی	گرمایش زمستانی	شیوه زندگی محلی	کاهش نیاز به سوخت

۲. مفهوم بوم‌گرایی و ابعاد آن در معماری

بوم‌گرایی[1] در حوزه معماری به معنای رویکردی است که بر اصول زیر تأکید دارد:

۱. هم‌سازگاری با اقلیم
۲. استفاده از مصالح بومی و تجدیدپذیر

1. Ecologism/Regional Ecological Orientation

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۲ . بهار ۱۴۰۵
Urban managment
No.82 Spring 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

۳. کاهش مداخله مخرب در طبیعت
۴. انطباق فرم با بستر طبیعی
۵. پایداری زیست‌محیطی در چرخه ساخت و بهره‌برداری

در معماری بومی بوم‌گرایی نه به‌صورت نظری بلکه به‌صورت تجربی و تاریخی تحقق‌یافته است. جوامع سنتی در فرآیند انباشتی از تجربه الگوهایی را شکل داده‌اند که با حداقل انرژی و بیشترین انطباق پاسخگوی شرایط اقلیمی بوده است.

۳. معماری بومی به‌عنوان نظام سازگار با اقلیم

نظریه‌های اقلیم‌گرایانه در معماری بیان می‌کنند که فرم بنا تابعی از شرایط حرارتی، رطوبتی، تابش خورشید و الگوهای باد است. در اقلیم معتدل و مرطوب گیلان، ویژگی‌هایی همچون:

- بارندگی شدید
- رطوبت بالا
- خطر پوسیدگی مصالح
- نیاز به تهویه طبیعی

موجب شکل‌گیری راهکارهای کالبدی خاصی شده است، از جمله:

- بام‌های شیب‌دار با پیش‌آمدگی زیاد
- کرسی‌چینی و بالا آوردن کف از سطح زمین
- استفاده گسترده از چوب
- تعبیه ایوان‌های سرتاسری
- بازشوهای متعدد برای تهویه متقاطع

اما این پاسخ‌ها صرفاً اقلیمی نیستند بلکه در بستر فرهنگی و معیشتی منطقه معنا می‌یابند.

جدول ۳: عنوان: فراوانی عناصر معماری بومی در نمونه‌های مطالعه شده

محور X	عناصر معماری	سقف شیب‌دار	ایوان	کرسی	مصالح محلی
محور Y	تعداد خانه‌هایی که دارای این عناصر هستند	٪۱۰	٪۸	٪۷	٪۱۰

محور X: عناصر معماری (سقف شیب‌دار، ایوان، کرسی، مصالح محلی)

محور Y: تعداد خانه‌هایی که دارای این عنصر هستند

این جدول نشان می‌دهد کدام عناصر معماری بیشتر در خانه‌های سنتی گیلان وجود دارند و اهمیت آن‌ها برای بوم‌گرایی.

۴. فرهنگ معیشتی و سازمان فضایی

در گیلان اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به‌ویژه برنج‌کاری و وابستگی مستقیم زندگی به طبیعت، الگوی خاصی از سازمان فضایی را شکل داده است. خانه نه فقط محل سکونت بلکه بخشی از نظام تولیدی خانواده است؛ بنابراین

- فضاهای نیمه‌باز برای فعالیت‌های روزمره
- فضاهای نگهداری محصولات کشاورزی
- پیوند مستقیم خانه با زمین زراعی
- نبود مرزبندی سخت میان داخل و خارج

از ویژگی‌های ساختاری این معماری محسوب می‌شوند.

۵. عناصر کالبدی به‌مثابه تجلی فرهنگ بوم‌گرا

در تحلیل عناصر معماری بومی گیلان، می‌توان آن‌ها را در سه سطح بررسی کرد:

الف) سطح سازه و مصالح

- چوب به‌عنوان مصالح در دسترس و سازگار با اقلیم
- سفال برای پوشش بام
- اتصالات سنتی متناسب با رطوبت

ب) سطح فرم

- شیب زیاد بام
- کشیدگی افقی بنا
- ارتفاع از سطح زمین

ج) سطح سازمان فضایی

- ایوان (تلار) به‌عنوان فضای واسط
- پیوستگی بصری با طبیعت
- سیالیت میان فضاهای خصوصی و نیمه‌عمومی

ایوان در این میان نقش کلیدی دارد زیرا هم عملکرد اقلیمی (کنترل تابش و باران)، هم عملکرد اجتماعی (محل تعامل) و هم عملکرد معیشتی (محل کار روزمره) را ایفا می‌کند. این چندکارکردی بودن نشانه‌ای از پیوند عمیق فرهنگ بوم‌گرایی با ساختار فضایی است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

۶. رویکرد میان‌رشته‌ای در تحلیل معماری بومی

مطالعه تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی بر کالبد معماری گیلان مستلزم بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای است که شامل:

- انسان‌شناسی فرهنگی
- جغرافیای انسانی
- اقلیم‌شناسی معماری
- نظریه‌های پایداری
- مطالعات منطقه‌گرایی انتقادی

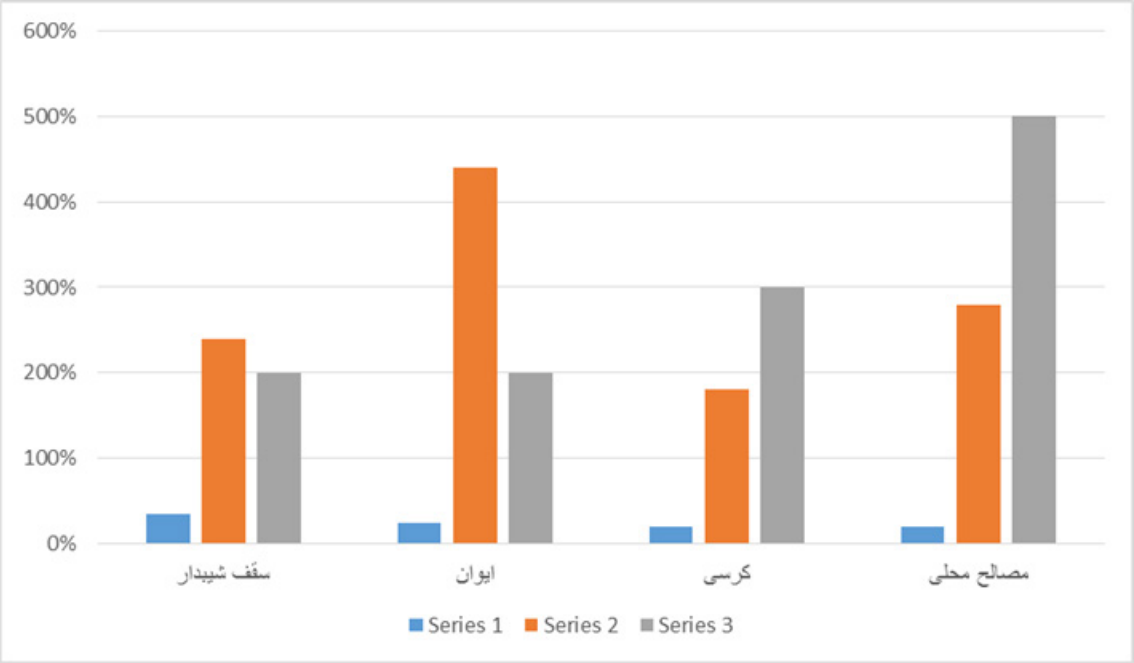

نمودار ۱: سهم عناصر مختلف معماری در پایداری و سازگاری با اقلیم

- ❖ سقف شیب‌دار: ۳۵٪
- ❖ ایوان: ۲۵٪
- ❖ کرسی: ۲۰٪
- ❖ مصالح محلی: ۲۰٪

این نمودار به‌طور بصری نشان می‌دهد کدام عناصر بیشترین تأثیر را در پایداری و همسویی با اقلیم دارند.

در چارچوب منطقه‌گرایی انتقادی معماری بومی به‌عنوان مقاومتی فرهنگی در برابر یکنواختی جهانی تلقی می‌شود. این دیدگاه، ارزش بازخوانی اصول بوم‌گرایانه در معماری معاصر را تقویت می‌کند.

۷. هستی‌شناسی رابطه انسان و طبیعت در فرهنگ بومی گیلان

یکی از بنیان‌های نظری تحلیل معماری بومی تبیین نوع رابطه انسان با طبیعت در یک بستر فرهنگی خاص است. در فرهنگ بومی گیلان رابطه‌ی انسان و طبیعت صرفاً یک رابطه‌ی ابزاری یا اقتصادی نیست بلکه نوعی هم‌زیستی هستی‌شناختی[1] است یعنی انسان خود را جزئی از شبکه‌ی زنده‌ی طبیعت می‌داند نه حاکم مطلق بر آن. در این فرهنگ طبیعت نه عنصری بیرونی و مغلوب بلکه جزئی از زیست‌جهان انسان تلقی می‌شود. این نگاه هم‌زیستانه که ریشه در تجربه تاریخی زندگی در محیطی پرباران و سرسبز دارد، موجب شکل‌گیری نوعی اخلاق محیطی نانوشته شده است.

در چنین نظامی ساخت‌وساز نه به‌منزله تصرف طبیعت بلکه به‌مثابه استقرار موقت و سازگار در بستر آن تعریف می‌شود. از این منظر معماری بومی گیلان واجد نوعی فروتنی کالبدی است. بدین معنا که بنا در مقیاس، ارتفاع، مصالح و فرم، در پی سلطه بر منظر طبیعی نیست، بلکه در آن ادغام می‌شود.

۸. نظریه پایداری بومی و چرخه حیات مصالح

در ادبیات پایداری یکی از شاخص‌های اساسی چرخه حیات

1. Ontological Co - existence

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۲ . بهار ۱۴۰۵
Urban managment
No.82 Spring 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

مصالح[1] و میزان انرژی نهفته در آن‌هاست. نظریه پایداری بومی و چرخه حیات مصالح به این ایده می‌پردازد که جوامع محلی، به‌ویژه در فرهنگ‌های بومی، مصالح و منابع را نه به‌صورت کالای مصرفی یک‌بارمصرف بلکه به‌عنوان بخشی از یک چرخه زیستی، اقتصادی و فرهنگی می‌بینند. این نگاه بسیار به مفاهیم پایداری، اقتصاد چرخشی بوم‌سازگاری و سازگاری با اقلیم نزدیک است.

معماری بومی گیلان از مصالحی بهره می‌گیرد که:

- در همان بستر جغرافیایی قابل دسترس‌اند.
- نیازمند فرآوری صنعتی گسترده نیستند.
- قابلیت بازگشت به چرخه طبیعت را دارند.
- با اقلیم مرطوب سازگارند.

چوب، نی، سفال و مصالح گیاهی، علاوه بر سازگاری زیست‌محیطی، با دانش فنی بومی نیز همخوان هستند. این همخوانی میان ماده و دانش ساخت، بخشی از نظام فرهنگی بوم‌گرا را شکل می‌دهد.

بدین‌ترتیب انتخاب مصالح نه صرفاً یک تصمیم فنی، بلکه بازتابی از منطق فرهنگی و اقتصادی جامعه محلی است.

۹. الگوی استقرار و رابطه با زمین

الگوی استقرار[2] به نحوه‌ی پراکندگی و توزیع فضایی سکونتگاه‌های انسانی در یک منطقه اطلاق می‌شود. این الگو تابعی پیچیده از عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است و به‌طور متقابل بر نحوه رابطه انسان با زمین تأثیر می‌گذارد. یکی از ابعاد مهم تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی نحوه استقرار بنا در زمین است. در معماری بومی گیلان خانه‌ها اغلب به‌صورت منفرد و پراکنده در میان اراضی کشاورزی استقرار می‌یابند. این الگو برخلاف بافت‌های متراکم شهری نشان‌دهنده پیوند مستقیم سکونت با زمین تولید است.

ویژگی‌های این الگو عبارتند از:

- فاصله‌گذاری مناسب برای گردش هوا
- ارتباط مستقیم با مزارع
- بهره‌گیری از شیب طبیعی زمین
- اجتناب از خاک‌برداری و مداخله گسترده در توپوگرافی

این نحوه استقرار حاصل نوعی عقلانیت بومی است که تعادل میان بهره‌برداری و حفاظت از زمین را حفظ می‌کند

۱۰. فضاهای واسط و مفهوم آستانه

مفاهیم فضاهای واسط[3] و آستانه[4] در علوم مختلفی از جمله معماری، روانشناسی محیطی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و حتی فیزیک و ادبیات مورد بحث قرار می‌گیرند. در نظریه‌های فضایی آستانه به‌عنوان عنصر انتقالی میان دو قلمرو فضایی شناخته می‌شود. در معماری بومی گیلان فضاهای واسطِ مانند ایوان (تلار) نقشی محوری دارند. این فضاها نه کاملاً درون‌اند و نه بیرون بلکه قلمرویی میانجی ایجاد می‌کنند که:

- تبادل حرارتی را تنظیم می‌کند؛
- تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌نماید؛
- فعالیت‌های روزمره را در خود جای می‌دهد؛
- مرز نرم میان طبیعت و سکونت ایجاد می‌کند.

وجود گسترده فضاهای نیمه‌باز نشان‌دهنده فرهنگی است که زندگی را در پیوند با بیرون تعریف می‌کند؛ بنابراین ساختار فضایی خانه‌های گیلان مبتنی بر پیوستار درون–بیرون است نه تقابل صلب این دو.

۱۱. ساختار خانواده و سازمان کالبدی

مفهوم سازمان کالبدی[5] در ارتباط با ساختار خانواده[6] به چگونگی توزیع فضایی اعضای خانواده در محیط زندگی و تأثیر معماری و چیدمان فیزیکی بر روابط و کارکردهای خانواده اشاره دارد در تحلیل فرهنگی معماری، ساختار خانواده یکی از متغیرهای اثرگذار بر سازمان فضایی است. در بافت سنتی گیلان خانواده گسترده و روابط خویشاوندی نزدیک موجب شکل‌گیری فضاهای انعطاف‌پذیر و چندعملکردی شده است.

ویژگی‌های سازمانی شامل:

- نبود تقسیم‌بندی سخت عملکردی
- استفاده چندمنظوره از فضاها
- امکان تغییر کاربری براساس فصل
- سلسله‌مراتب ملایم فضایی

این انعطاف‌پذیری نشانه‌ای از انطباق کالبد با ریتم زندگی و ساختار اجتماعی است.

۱۲. زمان‌مندی در معماری بومی

زمان‌مندی در معماری بومی به این معناست که فضا تنها در

1. Life Cycle
2. Settlement Pattern
3. Transitional Spaces
4. Threshold
5. Physical Organization
6. Family Structure

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

بعد مکانی فهم نمی‌شود بلکه با تغییرات زمانی، چرخه‌های طبیعی، الگوهای زیست روزمره، فصل‌ها، آیین‌ها و حافظه جمعی معنا پیدا می‌کند. در معماری بومی زمان بخشی از ساخت فضاست نه چیزی بیرون از آن. یکی از ابعاد کمتر مورد توجه در تحلیل کالبدی، مفهوم زمان است. در معماری بومی گیلان فضاها براساس تغییرات فصلی و اقلیمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌عنوان نمونه:

- ایوان در فصول گرم نقش اصلی سکونت را دارد؛
- فضاهای بسته در زمستان فعال‌تر می‌شوند؛
- برخی فضاها متناسب با چرخه کشاورزی فعال یا غیرفعال‌اند.

این پویایی زمانی نشان می‌دهد که معماری بومی ساختاری ایستا ندارد بلکه در تعامل با چرخه طبیعت عمل می‌کند؛ بنابراین کالبد نه یک شیء ثابت بلکه سامانه‌ای تطبیق‌پذیر است.

۱۳. زیبایی‌شناسی بومی و بیان کالبدی

زیبایی‌شناسی بومی به نظامی از ارزش‌ها، ادراک‌ها و ترجیحات زیباشناختی اشاره دارد که در یک فرهنگ، اقلیم، شیوه‌ی زندگی و سنت تاریخی خاص شکل گرفته‌اند. بیان کالبدی نیز به نحوه تجلی این ارزش‌ها در شکل، مصالح، فرم، تناسب، بافت، رنگ، تزئین و سازمان فضایی اشاره دارد. به بیان ساده‌تر زیبایی‌شناسی بومی چه چیزهایی را زیبا می‌داند و به بیان کالبدی این زیبایی چگونه در فضا و بنا آشکار می‌شود. زیبایی‌شناسی در معماری بومی گیلان برخلاف معماری رسمی مبتنی بر نمایش قدرت یا شکوه نیست بلکه بر سادگی، تناسب و هماهنگی با طبیعت استوار است. عناصر تزئینی محدود و اغلب برگرفته از الگوهای طبیعی هستند.

در نتیجه فرم معماری نه از الگوهای انتزاعی، بلکه از ضرورت‌های محیطی و فرهنگی زاده می‌شود.

۱۴. منطقه‌گرایی انتقادی و بازخوانی معاصر

منطقه‌گرایی انتقادی[1] رویکردی در معماری است که تلاش می‌کند میان زیبایی‌شناسی مدرن که اغلب جهانی و انتزاعی بوده و به هویت محلی، پیوندی آگاهانه و انتقادی برقرار کند. این رویکرد صرفاً تقلید از فرم‌های سنتی یا منطقه‌گرایی صرف نیست بلکه بر پایه تأملاتی عمیق‌تر در مورد فرهنگ، تاریخ، اقلیم و جامعه شکل می‌گیرد. بازخوانی معاصر به این معناست که چگونه این اصول در دنیای امروز با چالش‌ها و فرصت‌های جدید تفسیر و اجرا می‌شوند. در نظریه منطقه‌گرایی انتقادی معماری بومی به‌عنوان منبعی برای مقابله با یکنواختی جهانی مطرح می‌شود. این رویکرد بر بازتفسیر خلاق اصول بومی در شرایط معاصر تأکید دارد نه تقلید صرف از فرم‌های سنتی.

در مورد گیلان بازخوانی اصول زیر می‌تواند مبنای طراحی معاصر باشد:

- توجه به تهویه طبیعی
- بهره‌گیری از فضاهای نیمه‌باز
- انطباق با توپوگرافی
- استفاده از مصالح کم‌انرژی
- احترام به مقیاس انسانی

بنابراین مطالعه نظری فرهنگ بوم‌گرایی صرفاً رویکردی تاریخی نیست بلکه می‌تواند مبنایی برای توسعه پایدار آینده باشد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که معماری بومی گیلان، نه محصولی اتفاقی، بلکه بازتابی آگاهانه و انطباقی از فرهنگ، زیست‌بوم و شیوه‌ی زندگی مردم این منطقه در طول تاریخ بوده است. پیوند میان فرهنگ بوم‌گرایی و کالبد معماری در گیلان در ابعاد مختلف قابل مشاهده است:

الف) انطباق با اقلیم و زیست‌بوم

فرهنگ بومی گیلان، با درک عمیق از شرایط اقلیمی مانند بارندگی فراوان، رطوبت بالا، دمای معتدل و زیست‌بوم مانند جنگل، دشت، نزدیکی به دریا که منجر به شکل‌گیری عناصری در معماری شده است مستقیماً به این شرایط پاسخ می‌دهند:

- **سقف‌های شیب‌دار:** با شیب تند، برای دفع سریع باران و جلوگیری از انباشت برف (هرچند برف در گیلان کمتر است، این ویژگی در مناطق کوهپایه‌ای کاربرد دارد).
- **ایوان‌ها و پیش‌آمدگی‌های سقف:** فضاهای نیمه‌باز برای محافظت در برابر باران و تابش مستقیم آفتاب و ایجاد فضایی برای زندگی در بیرون از بنا در فصول معتدل.
- **استفاده از چوب:** مصالح اصلی (توسکا، بلوط، گردو) که به‌وفور در مناطق جنگلی یافت می‌شده و با شرایط مرطوب سازگاری نسبی دارند (با روش‌های خاص نگهداری و ساخت).
- **بلندسازی بنا (معمولاً بر روی پایه یا ستون):** در مناطق جلگه‌ای برای مقابله با رطوبت زمین و احتمال سیلاب‌های فصلی.

1. Critical Regionalism

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۲ . بهار ۱۴۰۵
Urban managment
No.82 Spring 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

این ویژگی‌ها نشان‌دهنده آن است که فرهنگ گیلان چگونه زیستن در این سرزمین از طریق طراحی کالبدی بناها هدایت کرده است.

ب) تأثیر شیوه‌ی زندگی و معیشت

فرهنگ بومی گیلان که عمدتاً بر کشاورزی برنج‌کاری، دامداری، صیادی و مشاغل مرتبط با جنگل استوار بوده، بر ساختار فیزیکی معماری تأثیر گذاشته است:

- **فضاهای چندکاربردی:** خانه‌ها اغلب دارای فضاهایی بودند که هم برای زندگی و هم برای فعالیت‌های مرتبط با معیشت مانند نگهداری ابزار، محصولات، یا حتی دام در برخی موارد استفاده می‌شدند.
- **جداسازی فضاهای تابستانی و زمستانی:** در برخی خانه‌های سنتی، تمایز میان فضاهای گرم‌تر برای زمستان و خنک‌تر برای تابستان دیده می‌شود.
- **فضاهای باز و نیمه‌باز (ایوان، بالکن):** با توجه به اهمیت فعالیت‌های روزانه در فضای باز و تأثیرات اقلیمی، این فضاها نقش حیاتی در معماری ایفا می‌کنند.

ج) ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ گیلان با تأکید بر همبستگی خانوادگی، مهمان‌نوازی و احترام به طبیعت، در عناصر کالبدی معماری انعکاس یافته است:

- **فضاهای جمعی (پذیرایی):** وجود فضاهای مناسب برای گردهمایی‌های خانوادگی و اجتماعی که نشان‌دهنده‌ی اهمیت روابط در این فرهنگ است.
- **رابطه با طبیعت:** طراحی خانه‌ها به‌گونه‌ای که بیشترین ارتباط بصری و فیزیکی را با محیط طبیعی اطراف باغ، جنگل، شالیزار داشته باشند.
- **سادگی و پرهیز از تزئینات افراطی:** زیبایی‌شناسی بومی گیلان، اغلب بر اصالت مصالح، تناسبات و فرم‌های کارآمد تأکید دارد تا تزئینات پر زرق‌وبرق.

د) معنویت و باورها

هرچند کمتر مستند شده، اما باورهای فرهنگی و معنوی نیز در ناخودآگاه جمعی، بر نحوه‌ی برخورد با فضا و عناصر آن تأثیر گذاشته است مانند جهت‌گیری‌ها، جایگاه عناصر مقدس یا نامیمون این تأثیر چندوجهی در سطوح مختلف معماری از انتخاب مصالح و فرم کلی بنا گرفته تا جزئیات اجرایی و سازمان فضایی قابل ردیابی است.

نتایج اصلی عبارتند از:

۱. **هم‌بستگی ارگانیک:** معماری بومی گیلان، نمونه‌ای بارز از هم‌بستگی ارگانیک میان فرهنگ و کالبد فیزیکی است. عناصر معماری (سقف، ایوان، مصالح، پلان) نه عناصری منفرد، بلکه اجزایی از یک کل منسجم فرهنگی - زیست‌محیطی هستند.

۲. **پاسخگویی به ضرورت‌ها:** فرم‌ها و ساختارهای معماری، پاسخی هوشمندانه به ضرورت‌های اقلیمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه بوده‌اند.

۳. **زیبایی‌شناسی مبتنی بر اصالت:** زیبایی در معماری بومی گیلان، نه از تزئینات، بلکه از اصالت مصالح، تناسبات صحیح و انطباق با طبیعت و شیوه‌ی زندگی سرچشمه می‌گیرد.

۴. **اهمیت دانش بومی:** این معماری، حاصل انباشت دانش تجربی نسل‌ها در مواجهه با چالش‌های محیطی و فرهنگی است.

دلالت‌های علمی و کاربردی

- **ضرورت مطالعه معماری بومی:** درک معماری بومی، کلید فهم عمیق‌تر فرهنگ یک منطقه و ظرفیت‌های آن است.
- **الهام‌بخشی برای معماری معاصر:** توجه به اصول بوم‌گرایی و عناصر کارآمد معماری بومی گیلان می‌تواند راهگشای طراحی معماری پایدارتر، انسان‌محورتر و هویت‌مندتر در عصر حاضر باشد. این امر مستلزم بازخوانی انتقادی این عناصر و ترکیب هوشمندانه‌ی آن‌ها با تکنولوژی‌های نوین است، نه صرفاً تقلید.
- **حفظ میراث:** شناخت این ارتباط عمیق، ضرورت حفاظت و احیای این میراث ارزشمند معماری و فرهنگی را برجسته می‌سازد.

درنهایت معماری بومی گیلان فراتر از یک پدیده‌ی صرفاً کالبدی، تجسمی ملموس از فرهنگ، تاریخ و نحوه‌ی زیست مردمان آن دیار است که در طول قرن‌ها با هوشمندی و خلاقیت پاسخگوی نیازهایشان بوده است.

جمع‌بندی نظری

براساس مبانی نظری مطرح‌شده می‌توان چارچوب نظری پژوهش را در سه سطح تبیین کرد:

- **سطح اول: بستر طبیعی:** اقلیم، توپوگرافی، منابع مصالح
- **سطح دوم: نظام فرهنگی ـ اجتماعی:** معیشت کشاورزی، ساختار خانواده، الگوهای تعامل اجتماعی، جهان‌بینی طبیعت‌محور

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

- **سطح سوم: تجلی کالبدی:** فرم بام، ایوان، ارتفاع بنا، سازمان فضایی، مصالح، نحوه استقرار

در نتیجه چارچوب نظری این پژوهش بر این فرض استوار است که:

۱. معماری بومی گیلان محصول صرف اقلیم نیست بلکه برآیند تعامل فرهنگ، معیشت و محیط است. معماری بومی گیلان را باید نظامی یکپارچه دانست

۲. فرهنگ بوم‌گرایی به‌صورت نظام‌مند بر فرم، مصالح و سازمان فضایی تأثیر گذاشته است. فرهنگ بوم‌گرایی از طریق سازوکارهای اقلیمی، معیشتی و اجتماعی، به تولید کالبدی خاص منجر شده است

۳. عناصر کالبدی این معماری، واجد معناهای فرهنگی و کارکردهای چندلایه هستند. کالبد فیزیکی و ساختار عناصر معماری بومی گیلان، تجلی عینی فرهنگ بوم‌گرایی در بستر اقلیم و نظام معیشتی منطقه است.

۴. تحلیل کالبدی بدون در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و زیست‌محیطی، تحلیلی تقلیل‌گرایانه خواهد بود. این کالبد، نه تصادفی و نه صرفاً اقلیمی، بلکه محصول عقلانیت فرهنگی - زیست‌محیطی جامعه محلی است.

جدول ۴: پیشنهاد تحلیلی برای کاربرد در معماری معاصر

عنصر بومی	راهکار طراحی معاصر	مزایا	محدودیت‌ها
سقف شیب‌دار	طراحی سقف با شیب استاندارد و استفاده از مصالح مدرن	دفع باران، تهویه مناسب	نیاز به طراحی دقیق برای با سنگین برف
ایوان باز	تراس و فضای نیمه‌باز	تهویه طبیعی، تعامل اجتماعی	محدودیت فضای شهری
کرسی چوبی	سکوی چوبی یا سیستم گرمایش طبیعی مشابه	صرفه‌جویی انرژی	نگهداری و دوام مصالح

بحث و نتیجه‌گیری

معماری بومی گیلان نمونه‌ای شاخص از تعامل موفق بین فرهنگ، اقلیم و فناوری محلی است و پژوهش حاضر نشان داد که فرهنگ بوم‌گرایی تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری معماری بومی گیلان داشته است. استفاده از اصول بوم‌گرایی در طراحی علاوه بر حفظ ارزش‌های فرهنگی، پایداری محیطی و بهینه‌سازی مصرف انرژی را تضمین می‌کند. انتخاب مصالح، فرم بنا، ساختار فضاها و جزئیات معماری همه متأثر از اصول بوم‌گرایی بوده‌اند. این نتایج اهمیت بازخوانی و احیای الگوهای بومی برای طراحی‌های معاصر پایدار را نشان می‌دهد. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی شهری و معماری نوین گیلان این اصول مورد توجه قرار گیرد تا هم هویت فرهنگی حفظ شود و هم سازگاری با محیط‌زیست افزایش یابد.

منابع

۱. براون، ج. (۲۰۱۵). Vernacular Architecture and Sustainable Design. Routledge

۲. رحمانی، مرتضی، (۱۳۹۵). معماری سنتی گیلان و بوم‌گرایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. رضایی، علی. (۱۳۹۷). فرهنگ بوم‌گرایی و معماری پایدار. مجله معماری ایرانی، ۱۲(۳)، ۴۵ - ۶۲.

۴. سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی. (۱۴۰۰). معماری بومی گیلان. بازیابی شده از: http://www.ichto.ir/gilan - architecture](http://www.ichto.ir/gilan - architecture)

۵. شریعتی، محمد. (۱۳۹۸). معماری بومی شمال ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶. کریمی، سارا، رضایی، فرزاد، (۱۳۹۸). تأثیر فرهنگ بوم‌گرایی بر معماری سنتی گیلان. مجله معماری ایران، ۱۲(۳)، ۴۵ - ۶۰.

۷. میرزاده، شاهرودی، فرامرز. (۱۴۰۲). سهم معماری مدرن از الگوهای اصیل معماری بومی گیلان. مجله علمی پژوهشی

8. Mottaki, Z., & Amini, I. (2013). Cultural Sustainability Patterns in Vernacular Architecture: A Case Study of Gilan, Iran. GSTF Journal of Engineering Technology.

9. Nazidizaji, S., Tomé, A., & Regateiro, F. (2012). The Architecture and Construction Processes of the Vernacular Shikili Houses in Gilan, Northern Iran. Civil Engineering Research and Innovation for Sustainability.

10. GILĀN xii. Rural Housing. Encyclopaedia Iranica. (2026). Retrieved from https://www.iranicaonline.org/articles/gilan - xii - rural - housing

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۲ . بهار ۱۴۰۵
Urban managment
No.82 Spring 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]